

تبارشناسی معنای پس انداز زنانه

شایسته مدنی لواسانی^۱

منصور وثوقی^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۲

چکیده

پول ابزار و روان‌کننده مبادلات اقتصادی است که با گذشت زمان ابعاد اجتماعی آن گسترش یافته است و از یک ابزار صرفاً اقتصادی به ابزاری برای انجام مبادلات گوناگون تبدیل شده است. ارزش اقتصادی پول در جامعه در اشکال گوناگونی بروز می‌کند که یکی از آنها پس انداز، به معنای انباشت پول و استفاده از آن در شرایط خاص، است. زنان، به عنوان نیمی از جامعه، رویکرد خاصی به پول و پس انداز دارند و این پژوهش در صدد بررسی این نگاه و تغییرات استراتژی نگرش به پول و پس انداز در میان زنان متأهل است.

زنان مطالعه شده در این پژوهش شامل زنان متأهل شاغل و خانه‌دار، بین سنین ۲۰ تا ۷۰ سال، است که با روش کیفی پدیدارشناسی، مشاهده و درباره پس انداز با آنها مصاحبه شده است.

یافته‌های این تحقیق انواع پس انداز، چگونگی آن، شیوه انتقال، و مکانیزم و اشکال مصرف پس انداز را از نظر زنان نشان می‌دهد. همچنین نشان می‌دهد علی‌رغم این که پول ابزاری اقتصادی است، اما شرایط اجتماعی در نگرش و رفتار با آن تأثیر داشته و پس انداز را، که ماده اقتصادی دارد، به پدیده‌ای اجتماعی تبدیل کرده است.

کلیدواژه: تبارشناسی پس انداز، منطق دوراندیشی، روش پدیدارشناسی، روز مبادا، خانواده هسته‌ای.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران. shayesteh.madani@gmail.com

۲. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. Mansour.vosoughi@gmail.com

پول در آغاز به عنوان واسطه و ابزار مبادلات، و به منظور آسان کردن داد و ستد به وجود آمد، اما با گسترده‌تر شدن جوامع بر پیچیدگی‌های آن افزوده شد. پول در یک نگاه و از لحاظ سنتی، کالاهای عرضه شده در بازار را قابل خرید و فروش می‌کند. مثلاً نیاز ذاتی انسان به سکونت موجب می‌شود انسان با وساطت پول، اقدام به تهیه مسکن و اسباب و اثاثیه آن کند. همچنین نیاز به پوشاک و غذا و سایر کالاها و نیازهای اصلی بشر، با وساطت پول تأمین می‌شوند. ممکن است تعداد این کالاها و نوع آنها متفاوت باشد، اما سرشت همه آنها یکی است.

در دنیای کنونی، که پیچیدگی‌های مهار نشده‌ای همه شئون زندگی را در بر گرفته است، قدرت و حوزه عمل پول تنها در نیازهای عمومی و اولیه‌ای چون مسکن، پوشاک، و امثال آن خلاصه نمی‌شود، بلکه قلمروهای ذهنی و روحی و روانی مانند عواطف، احساسات، عشق، محبت، اخلاق و... نیز به عرصه تاخت و تاز جهانشمول و مقتدرانه پول تبدیل شده است.

زلیزر^۱ (۲۰۰۰) به عنوان یکی از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان حوزه اقتصاد، در خصوص پول می‌گوید: «در تفاسیر کلاسیک از توسعه جهان مدرن، پول مانند کلیدی در عقلائی سازی زندگی اجتماعی عمل می‌کند و در مقام غایت شیئی شدن، همه تمایزات کیفی را به کمیت انتزاعی تشبیه می‌کند. پول، کارکردها و قابلیت‌های گوناگونی در حوزه‌های مختلف دارد که ما بیشتر با کارکرد پول در حوزه عمومی و در حیطه اقتصاد و بازار آشنایی داریم، اما در حوزه خصوصی و روابط خانوادگی، معنای دیگری پیدا می‌کند». یکی از این معنای جدید در حوزه پس انداز، که به شکلی ذخیره پول است، اتفاق افتاده است.

پول یک جنبه مثبت فوق‌العاده‌ای دارد؛ می‌توان پول را پس انداز کرد. شاید در ابتدا بسیار پیش پا افتاده به نظر برسد، اما در این خاصیت پول چیزی واقعاً عظیم نهفته است. می‌توانم پول خود را پس انداز کنم تا کالاهای مهم‌تری را تهیه کنم، بدین ترتیب پول پس انداز شده دارایی مرا انباشته می‌کند. می‌توانم پول خود را پس انداز کنم تا سرانجام روزی برسد که احتیاجی به کار کردن نداشته باشم، سپس می‌توانم با پول پس انداز شده زندگی کنم. پول پس انداز شده برایم آزادی به همراه می‌آورد و مرا در دوران کهولت از کمک‌های اجتماعی بی‌نیاز می‌سازد. همچنین می‌توانم پول خود را قرض دهم و بگذارم تا پول برایم کار کند، یعنی آن‌که بعد از مدتی با پول پس انداز شده بیشتر از مبلغی که داده بودم به دست بیاورم. این‌ها توانایی‌های^۲ بالقوه پول است،



1. Zelizer

۲. مترجم از واژه «خاصیت‌های بالقوه پول» استفاده کرده است که به نظر پژوهشگر واژه «توانایی» گویاتر است.

که نه تنها شاخه‌های متعدد اقتصادی مانند سیستم‌های بانکی، بلکه یک سیستم اجتماعی کامل را پدید آورده است (تپروین^۱، ۱۳۸۵: ۷۵-۷۶).

جامعه ایران در دهه‌های اخیر شاهد ورود چشمگیر زنان به فضاهاى اجتماعى، از جمله دانشگاه و بعد از آن بازار کار است. از طرفى رسانه‌ها به طور پیوسته سرمایه فرهنگی افراد را بالا می‌برند. طرح‌ها و برنامه‌های کلان اقتصادی از قبیل هدفمندسازی یارانه‌ها، تورم‌های مقطعی، و تحریم‌های خارجی از جمله مسائلی هستند که اثر خود را بر زندگی و دیدگاه افراد می‌گذارند. نکته‌ای که پیش از ورود به این بخش بایستی یادآوری کنم این است که سر و کار این پژوهش با زنان است و زنان نیز بر خلاف مردان که بلند فکر می‌کنند و کلامشان نشانی از درونشان است، درونی نامکشوف و رمزآلود دارند که با سکوت خود همه چیز را در تعلیق نگه می‌دارند. بر آن شدم تا در این بخش از کارم نظریه روان‌شناختی یونگ در مورد ویژگی‌های زنانه و مردانه سخن را به کار گیرم تا لایه‌های پنهان سخنان افراد را، که در زمینه‌ی فکری و شیوه زندگی‌شان شکل گرفته است، را باز کنم و به مفهوم پس‌انداز برسم. در نظر یونگ، لوگوس (اصل نرینه) خصیصه‌ای ویژه و موثق در انسان است که او را به سوی قوه تمیز، منطق، قضاوت، مرزبندی و ادراک سوق می‌دهد. آنتی‌تز لوگوس، اروس (اصل مادینه) نام دارد؛ خصیصه‌ای که اساسش بر پیوستگی، همه چیز را با هم دیدن، گردآوری و یکی کردن همه چیز، برقراری ارتباط میان چیزها بدون قضاوت در موردشان، و جذب یا دفع چیزها بدون شناخت دقیق‌شان نهاده شده است.

لوگوس مفهوم «کلمه» را نیز در بطن خود دارد، که ناظر به صحبت کردن و سخن گفتن است. این مشخصه دیگر مرد است که اصرار دارد با صدای بلند فکر کند، اندیشه‌اش را به زبان بیاورد، از آن سخن بگوید، به آن نامی بدهد، از آن مفهومی بسازد، و ابرازش کند. در حالی که زن — که اروس بیشتر مشخصه اوست — می‌تواند چیزهایی را در تعلیق نگاه دارد، لازم نیست همه چیز به زبان در آید. مرد می‌گوید: آخر برای چه نمی‌گویی؟ ولی زن نیازی به گفتن ندارد، و معمولاً هم نمی‌گوید. یا اصلاً چیز دیگری می‌گوید و مرد هم همیشه فکر می‌کند زن چیزی را گفته که نباید می‌گفته است. زیرا این حرف‌های پیچیده و پر از جزئیات، شیوه غیرمستقیم و سر بسته زنان است. اگر مرد این گفتگو را دنبال کند می‌بیند که زن مانند عنکبوت تار می‌تند و چیزها را با رشته‌های اسرارآمیز به هم مربوط می‌سازد، و مگسی هم ناگهان در تار می‌افتد،



بی آن که بداند چطور از آن جا سر درآورده است. سخن زنان با پیچ و خم های فراوانش به جای واژه از تار عنکبوت ساخته شده است و هدفی متفاوت از سخنان مردانه دارد. برای زن مهم است که تفاوت ها را بپوشاند یا آنها را به هم مربوط کند. باید پلی زد، و این همان نقشه ها و دسیسه هایی است که به زنان نسبت می دهند (یونگ^۱، ۱۳۸۷: ۱۹۷-۱۹۸).

این مقاله بر آن است که جامعه شناسی پس انداز زنانه را از نگاه زنان متأهل، شاغل، و غیر شاغل، توصیف کند.

مبانی نظری جامعه شناسی پول و تعریف مفاهیم

از منظر یک اقتصاددان، پول باید به عنوان یک واحد محاسبه عمل کند، یعنی ما باید بتوانیم از پول برای محاسبه میزان خریدمان استفاده کنیم. همچنین باید یک وسیله مبادله باشد، یعنی ما باید بتوانیم پول را برای خریداری کالا هم اکنون به کار ببریم. علاوه بر این ها پول باید دارای یک انبار ارزش باشد، یعنی ما باید بتوانیم پول را برای خریداری کالاها در آینده پس انداز کنیم.

۱. تعریف و چرایی پس انداز

از نظر آدم اسمیت عاملی که ما را به پس انداز وادار می کند همان خواهش نفس ما به بهزیستی و تمایل به بهتر ساختن وضع مادی ماست که از گهواره تا گور با ما همراه است (قدیری اصلی، ۱۳۸۷: ۹۰).

پس انداز یعنی نگهداری پول به طور نقدی، و یا به صورت طلبی که قابل پرداخت در هر زمانی باشد و بتواند به عنوان تضمین برای در اختیار داشتن امتیازات اقتصادی عمل کند (وبر^۲، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

صدر نبوی و دیگران (۱۳۹۰) تعاریف پس انداز را در سطح خرد، به پنج گروه تقسیم بندی کرده اند:

- برخی منابع در تعریف پس انداز به کم مصرف کردن یا مصرف نکردن اشاره کرده اند، که به مفهوم صرفه جویی نزدیک است.
- گاه پس انداز به مثابه مصرف نکردن در زمان اول برای مصرف در زمان دوم تعریف شده است، که به تعویق در مصرف نزدیک است.
- سومین تعریف، پس انداز به معنای درآمدهای خرج نشده است.



1. Jung
2. Weber

- پس‌انداز به عنوان افزایش ثروت طی یک دوره تعریف دیگری از پس‌انداز است که با سنجش تغییرات در دارایی‌ها و ثروت در طول زمان قابل سنجش است.
- و در آخر پس‌انداز به عنوان عرضه سرمایه بیان شده است (صدر نبوی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

۲. مبانی نظری

گوناگونی آثار جامعه‌شناختی در زمینه پول را می‌توان از دو جنبه اساسی بررسی کرد. جنبه نخست، دیدگاه‌های ساختاری و جنبه دوم دیدگاه‌های فرهنگی است، که هر یک از این دو دیدگاه در سطح خرد و کلان مد نظر قرار می‌گیرند.

الگوی نقشه‌ها و روابط، موضوعات عمده دیدگاه ساختاری هستند. این دیدگاه در سطح خرد، به پول به مثابه یک شیء در روابط بین شخص، همچون مبادله و ارتباط، اشاره دارد. اما در سطح کلان، زمینه‌های مقرر شده مبادله، همچون مکانیسم‌های قانونی و سیاسی حاکم بر تجارت و بازار را در بر می‌گیرد.

دیدگاه فرهنگی بر طبقه‌بندی‌های شناختی و معانی تداعی شونده مرتبط با پول تأکید دارد. این دیدگاه در سطح خرد، آن دسته از ارزش‌ها، ایستارها، و باورهای افراد را که بر رفتارشان در ارتباط با پول تأثیر می‌نهد، شامل می‌شود؛ اما در سطح کلان، دستگاه‌های معانی و اعتقادی وسیع‌تری همچون مذهب و ارزش‌های مدنی جامعه را در بر می‌گیرد (بیکر، جیمرسون، ۱۳۷۴: ۳۳). نظریه جامعه‌شناختی پول باید تفاوت‌هایی را که در آن افراد ضمن استفاده از پول، آن را تفسیر، دسته‌بندی، و سازمان‌دهی می‌کنند، مشخص کند (زلیزر، ۲۰۰۰: ۱۸۹۰).

دیدگاه ساختاری از سویی به پول به مثابه یک علت، کاتالیزور، یا تسهیل‌کننده (متغیر مستقل) اشاره دارد، و از سوی دیگر به مثابه اثر، پیامد، یا نتیجه (متغیر وابسته) به آن می‌نگرد. اقتصاددانان معمولاً به پول به مثابه یک متغیر مستقل می‌نگرند، همچنان که پیش‌تر گفته شد، عرضه پول اهرم اصلی سیاست پولی است.

جامعه‌شناسان کلاسیکی همچون وبر، زیمل، و مارکس نیز تمایل داشتند که به پول به مثابه یکی از عوامل تغییر اجتماعی بنگرند، اما جامعه‌شناسان معاصر این معادله را معکوس ساختند. برای نمونه در سطح خرد، زلیزر (۱۹۸۹) نشان داد که نقش‌های جنسیتی غالب و تقسیم نامتناسب قدرت در خانواده (متغیرهای مستقل) بر چگونگی تعریف و استفاده از پول خانگی تأثیر می‌نهد (متغیرهای وابسته) (بیکر، جیمرسون، ۱۹۹۲: ۶۸۱).

1. Zelizer
2. Baker & Jimerson





چارچوب ما در جدول شماره ۱، که در انتهای همین بخش به نمایش در آمده، و آثاری را که بیشتر در زمینه جامعه‌شناسی پول به رشته‌ی تحریر در آمده است طبقه‌بندی می‌کند. برخی آثار، نظیر *فلسفه پول* زیمل^۱ (۱۹۰۷/۱۹۷۸) با بیش از یک طبقه همخوانی دارند. پارسونز^۲ (۱۹۶۷) عنوان می‌کند که پول چهار نوع آزادی با خود به همراه آورده است: شما آزادید آن‌چه را که می‌خواهید، از هر کس که می‌خواهید، و هر وقت که می‌خواهید، بخرید و می‌توانید شرط خرید را بپذیرید یا نپذیرید. زیمل نیز آزادی فردی را مورد تأکید قرار داد، ولی او نیز چون لوین^۳ (۱۹۸۵) یادآور شد که «محاسبات غیرشخصی موجود در یک اقتصاد پولی، تمایلات شناختی ناب عاملین را در مقابل تمایلات عاطفی و احساسی آنها بر می‌انگیزد» (بیکر، جیمرسون، ۱۳۷۴: ۳۳).

جامعه‌شناسانی که به دیدگاه ساختاری تعلق دارند، اغلب از پول به عنوان وسیله‌ای استفاده می‌کنند که رد پای روابط اجتماعی را روشن می‌سازد. برای مثال هدیه دادن، حضور، قدرت، و وابستگی‌های اجتماعی بین افراد و بین گروه‌ها را آشکار می‌سازد. دیدگاه‌های فرهنگی تعریف، تفسیر و معنی اجتماعی پول را مد نظر قرار می‌دهند. موضوع اصلی در این دیدگاه‌ها این است که فرهنگ معین می‌کند که پول چیست و چه چیزی به عنوان پول به کار می‌رود. در دیدگاه‌های فرهنگی، پول غالباً به عنوان یک متغیر وابسته مد نظر قرار می‌گیرد. دیدگاه فرهنگی برای اقتصاددانان بیگانه است و آنها نیز به تفسیرها، معانی و ویژگی‌های فرهنگی‌ای که مردم بر پول و معاملات پولی تحمیل می‌کنند، به دیده تردید می‌نگرند. به علاوه آنها نمی‌پذیرند که پول به عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفته شود. البته در این مورد جوزف شوپیتز^۴ (۱۹۹۱) استثنائی به شمار می‌رود که معتقد است پول بخشی از «کل فرایند اجتماعی» است و «بار فرهنگی» آن، استنتاج یک نظریه پولی را برای همه مکان‌ها و زمان‌ها ناممکن می‌سازد.

زلیزر (۱۹۸۹) برای نشان دادن این‌که چگونه پول مدرن توسط فرهنگ تعریف و تمجید می‌شود، مفهوم «پول‌های خاص» را طرح می‌کند. او پول خانگی را مورد تحلیل قرار داد، اما موضوعی که در باب پول مدرن مطرح می‌کند در تمامی زمینه‌های اجتماعی به کار می‌آید.

1. Simmel
2. Parsons
3. Levine
4. Schumpeter

عوامل فرااقتصادی به گونه‌ای نظام‌مند (سیستماتیک) بر موارد زیر تأثیر نهاده و آنها را شکل می‌دهند:

۱. کاربردهای پول: مثلاً کنار گذاشتن پولی برای موارد خاص
 ۲. استفاده کنندگان از پول: تفکیک افراد مختلف برای سر و کار داشتن با پول‌های خاص
 ۳. نظام تخصیص هر پول ویژه
 ۴. کنترل پول‌های متفاوت
 ۵. منابع پول: پیوند دادن منابع متفاوت به کاربردهای متفاوت (بیکر، جیمرسون، ۱۳۷۴: ۳۴).
- عوامل فرااقتصادی که زلیزر برمی‌شمارد، بیشتر در خانواده و در عرصه اجتماعی‌ای که به طور گسترده مورد مطالعه فرهنگی قرار گرفته، قابل مشاهده است. برای نمونه وقتی جوان یا نوجوانی خارج از خانه کسب درآمد می‌کند، آن را برای خود خرج می‌کند و به ندرت در هزینه‌های خانه سهیم می‌شود (بیکر، جیمرسون، ۱۹۹۲: ۶۸۶).

برای مثال می‌توان اقتصاد خانواده را در نظر گرفت. پول خانگی (شامل پول زن، شوهر و فرزندان) مقوله خاصی از پول است. معنا، استفاده و حتی کیفیت آن توسط الزامات اقتصادی تحمیل می‌شود، اما پول خانگی توسط عقاید زندگی خانوادگی، جنسیت، روابط قدرت و طبقه اجتماعی هم شکل می‌گیرد. مثلاً پولی که برای زن در نظر گرفته می‌شود (صرف نظر از مقدار آن) به طور سنتی برای خرید خاصی، مثل لباس، در نظر گرفته شده و جدا از پول «واقعی» است که شوهر کسب می‌کند.

یک نظریه اجتماعی از پول باید منابع و الگوهای مختلفی را تبیین کند که بین پول‌های مختلف وجود دارد. گسترش مدل جامعه‌شناختی از انواع پول با چالش نظریه اقتصادی نئوکلاسیک شکل می‌گیرد و رویکردی را ارائه می‌کند که نه تنها مطالعه پول است، بلکه جنبه‌های دیگر زندگی اقتصادی، مثل بازار، را هم در بر می‌گیرد. فهم درست از پول‌های مختلف به لحاظ جامعه‌شناختی باید متغیرها و مقیاس‌های کلان علم اقتصاد را به چالش بکشد. پدیده‌هایی چون هزینه‌های انبوه برای مصرف‌کننده، میزان پس‌انداز، مسائل مربوط به تورم، توزیع درآمد و نرخ بالای دیگر پدیده‌ها در کنش‌های مصرف‌کننده و ایجاد تفاوت‌های زیادی در اقتصاد کلان، باید روشن شود. در مدل جامعه‌شناختی، روند اقتصادی مبادله و مصرف یکی از مقولات خاص روابط اجتماعی، مانند خویشاوندی و مذهب هستند. بنابراین پدیده‌های اقتصادی مثل پول، با نظام‌های معنایی مختلف و ساختاری روابط اجتماعی در هم تنیده‌اند (زلیزر، ۲۰۰۰: ۱۸۹۰).





میلمن^۱ (۱۹۹۱) عنوان کرد افرادی که تحرک (اجتماعی) رو به بالایی دارند ممکن است در تخصیص پول به خانواده مشکل داشته باشند، چرا که این گونه افراد غالباً تحرک (اجتماعی) خود را به واسطه اندوختن پول به دست می آورند؛ به علاوه، ورود پول همراه با موفقیت، ممکن است مشکلات خانوادگی را تشدید کند.

زلیزر (۱۹۸۹) معانی دگرگون شونده پول خانگی در نزد زنان متأهل را بین سال‌های دهه ۱۸۷۰ و دهه ۱۹۳۰ در ایالات متحده دنبال کرد و نشان داد که چگونه «پول آنها به واسطه آمیزه پیچیده‌ای از باورها، درباره زندگی خانوادگی و ساختار در حال تغییر قدرت جنسی و طبقه اجتماعی، به طور مرتب از پول واقعی کنار گذاشته می‌شد.» این باورها بر تخصیص پول به خانواده، زمان تخصیص (مثلاً به شکل نامنظم یا منظم) و مقدار پول تخصیص یافته تأثیر می‌نهادند.

طبقه‌بندی‌های شناختی پول (نظیر «پولهای خاص» زلیزر در قلمرو خانه) به خوبی به قلمروهای کانونی و مهم تجارت و حکومت مدرن گسترش یافت. چنین طبقه‌بندی‌های شناختی در فرایند بودجه‌پردازی کاملاً مشهودند. تعریف و کاربرد مقولات متنوع حسابداری، هزینه‌های ثابت و متغیر، هزینه‌های سرمایه‌ای و عملکردی و هزینه‌های قابل کنترل و غیرقابل کنترل (در حکومت)، سازه‌های اجتماعی هستند که به میزان بالایی قابل دست‌کاری هستند (بیکر، جیمرسون، ۱۳۷۴: ۳۵).

ویشر^۲ (۱۹۷۰) با این باور که ارزش پول رایج یک کشور ادراکات و استنباطات جمعی درباره قابلیت‌های مردم آن کشور را منعکس می‌سازد، کلان‌ترین سطح مباحث فرهنگی را درباره پول ارائه کرد. او استدلال خود را با مثالی از افت و خیزهای پوند انگلستان از ۷۶۰ پس از میلاد تا ۱۹۷۰ توضیح داد. گرچه تحلیل جامع ویشر در هر دو دیدگاه ساختاری و فرهنگی جای می‌گیرد. اما تز اصلی او مایه فرهنگی دارد: باورها و ایستارها درباره پول رایج می‌تواند ارزش آن را تحکیم یا سست کند. عجیب این‌که اقتصاددانان نیز هنگامی که از «اعتماد» مصرف‌کننده یا سرمایه‌گذار به پول رایج یک کشور یاد می‌کنند، به یک استدلال فرهنگی سطح کلان استناد می‌جویند (بیکر، جیمرسون، ۱۳۷۴: ۳۶).

پول از نظر زیمل و مارکس، خالص‌ترین شکل شیء‌وارگی دیده شده است و از نظر فنی، پول، عالی‌ترین واسطه تبادل اقتصادی دنیای مدرن است که همه کیفیت‌ها را به کمیت تبدیل می‌کند، افراد را از هستی حقیقی‌شان بیگانه می‌کند و شخصیت آنان را به صورت اشکال مالکیت، تکه تکه می‌کند.

1. Millman
2. Wisher

در حالی که در نظر مارکس، پول کارکردهای متفاوتی دارد (سنجش ارزش، واسطه تبادل و معنای انباشت ثروت)، ضمن آن که همیشه در مرکز است و «متضمن کار انتزاعی است و ارزش پول توسط شرایط تولید تعیین می شود.» زیمل با این پول اقتصادی شده بسیار مخالف بود و پول را در پهنای قلمرو تجربه انسانی قرار می دهد.

به نظر زیمل ارتباط دادن پول فقط به پایه های مادی آن، نادرست است و پول بازنمای پدیده اجتماعی به شکل تعامل انسانی است. تبادل برای او شکل قاطعی از زیست اجتماعی است که در آن، اقتصاد تنها یکی از اشکال تبادل است (همان، ۸۰).

دورکیم با درک ارتباط بین پدیده مقدس و مسایل اقتصادی و ترس او از نقش درجه اول یافتن اقتصاد و تصرف عرصه های مقدس به وسیله عوامل ناسوتی و اقتصادی، و زیمل با فهم اثرات اقتصاد پولی بر معرفت آدمی، به آسیب شناسی جامعه درگیر و معنا شده با پول پرداختند (فرهادی، ۱۳۸۸: ۲۶۶). آن چه برای دورکیم خیلی مهم است «حضور یا عدم حضور قواعدی است که در آن، پول ارائه شده و طبیعت این قواعد است» (دفلم، ۲۰۰۳: ۸۴).

جدول ۱: جامعه شناسی پول (بیکر و جیمرسون، ۱۹۹۲: ۶۹۰)

	رویکرد ساختاری		رویکرد فرهنگی	
	سطح خرد	سطح کلان	سطح خرد	سطح کلان
پول به عنوان متغیر مستقل	کلمن (۱۹۹۰) زیمل (۱۹۷۸/۱۹۰۷) بکر (۱۹۸۵)	کلمن (۱۹۹۰) زیمل (۱۹۷۸/۱۹۰۷) مارکس (۱۸۶۷/۱۸۵۸/۱۸۴۴) گانسمن (۱۹۸۸)	زیمل (۱۹۷۸/۱۹۰۷) تیتماس (۱۹۷۱) اسپیلاند (۱۹۸۴) میلمان (۱۹۹۱)	کاروتز و اسپیلاند (۱۹۹۱) مارکس (۱۹۸۴/۱۸۶۷)
پول به عنوان متغیر وابسته	چیل (۱۹۸۸) بکر (۱۹۸۵) ویر (۱۹۴۷)	بکر (۱۹۸۷) پادگت (۱۹۸۱) ویر (۱۹۷۸/۱۹۲۲)	زلیزر (۱۹۸۹) ایرز و لامبرز (۱۹۸۶) بیلی و بیلی (۱۹۸۸) برگوین (۱۹۸۸) داگلاس (۱۹۶۷) تورنتون و فیدمن (۱۹۹۰) کاپلا (۱۹۸۴)	شومپتر (۱۹۹۱) ویشر (۱۹۷۰) پارسونز (۱۹۶۷)



پیشینه پژوهش

در خصوص پدیده پس انداز، مقالاتی در علم اقتصاد وجود دارد که این مسئله را در سطح خرد و کلان و با استفاده از روش‌های تحلیل اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. قربانی و پرمه (۱۳۸۳) با یک نگاه اقتصادی و با استفاده از سیستم مخارج خطی به برآورد کشش قیمتی خودی و منقطع کالاهای ۱۶ گانه و کشش پس انداز نسبت به قیمت و درآمد پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که میل نهایی به مصرف کل ۰/۷۲ است. محاسبه کشش پس انداز گویای آن است که افزایش قیمت گروه‌های شش گانه غلات، گوشت، شیر، روغن، میوه و سبزی، پوشاک، و کفش بیشترین تأثیر را بر کاهش پس انداز خانوارها دارد. تحقیقی دیگر توسط رضایی (۱۳۸۹) در مورد بررسی رفتار مصرف و پس انداز در چارچوب مدل رشد نئوکلاسیکی انجام شده است که از مدل‌های اقتصادی برای تبیین این مسئله کمک گرفته است.

مقاله‌ای تحت عنوان بررسی جامعه‌شناختی دلایل پس انداز کردن و شیوه‌های آن نزد مردم مشهد به روش رویش نظریه، توسط صدر نبوی و دیگران (۱۳۹۰) بر اساس یک چارچوب مفهومی به بررسی پس انداز پرداخته‌اند. بر اساس این پژوهش، پس انداز در اکثر حالت‌ها، خودداری از مصرف در زمان حال است. پس مطالعه مصرف و تغییرات آن برای بررسی امر پس انداز، مداخلیت تام دارد. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که مصاحبه‌شوندگان ۲ تا ۴ «خواسته نداشته» دارند که مهم‌ترین آنها، خواسته‌ای بوده که رفع آن بیشترین حد از «رضایت‌مندی و تثبیت و آرامش» را برای مصرف‌کننده به همراه داشته است. این خواسته‌ها، با توجه به «نظام ترجیحات» مصرفی اشخاص، اولین‌ها محسوب می‌شوند. اگر درآمد شخص افزایش یابد، در گام اول بیش از نیم آن را پس انداز می‌کند و وقتی بخواهد به مصرف اختصاص دهد، یکی از شکل‌های اصلی آن، «افزایش کیفیت‌های ناپیدا» است. همچنین اگر درآمدهای شخص با کاهش روبرو شود، دفاع از استانداردهای سبک مصرف، عکس‌العمل رایج در بین مصاحبه‌شوندگان بوده است. انگیزه مصاحبه‌شوندگان برای پس انداز کردن، ایجاد احساس توانایی و تأمین خواسته‌ها بوده است. آنها این کار را از طریق ایجاد تعهد درونی و الزام بیرونی و دور از دسترس نگه داشتن پول انجام می‌دهند.

روش تحقیق

هر تحقیقی بر اساس پرسشی که مطرح می‌کند، باید روش مناسبی را به کار بگیرد و برای این



گزینش لازم است دلایل قابل دفاعی ارائه کند. روش تحقیقی که به پرسش‌های این پژوهش پاسخ می‌دهد، به طور کلی یک روش کیفی، و مشخصاً روش پدیدارشناسی است.

در واقع، روش کیفی، نوعی روش تحقیق در علوم اجتماعی است که بر شیوه‌ای که افراد تجربه‌هایشان را از زندگی تفسیر می‌کنند متمرکز است. در یک کلمه به گفته اتکینسون^۱ (۲۰۰۱)، روش کیفی «چتری» است بر سر تعدادی از رویکردهای متفاوت که زیر آن قرار می‌گیرند و چهارچوبی برای تحقیق و پژوهش فراهم می‌کنند. البته اکثر این رویکردها یک هدف را دنبال می‌کنند و آن، فهم واقعیت اجتماعی افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها است. اساس تحقیق کیفی، تفسیر واقعیت اجتماعی و توصیف تجربه زیسته‌ی انسان است (گریس^۲، ۲۰۰۸: ۱۷۱).

پدیدارشناسان بر مفهوم پدیده‌های اجتماعی و ارزش‌ها تأکید دارند. به عقیده آنها پدیده‌های اجتماعی شیئی نیستند، بنابراین نمی‌توان آنها را مانند اشیاء مطالعه کرد. برای شناخت پدیده‌های انسانی باید به دنیای ارزش‌های انسان‌ها پی برد و بر این اساس پدیده‌های انسانی را تشریح و تبیین کرد، و تا به درون انسان‌ها و ارزش‌های آنها پی نبریم، نمی‌توانیم به واقعیت پدیده‌ها و روابط بین آنها دست یابیم.

پژوهشگران مکتب پدیدارشناسی برای انسانی کردن فرایندهای پژوهش، خود به دنبال ایجاد نظریه از طریق درک رفتار انسانی با توجه به ابعاد عملی‌اش در جایگاه طبیعی آن هستند. پیش‌فرض اصلی پدیدارشناسان آن است که دانش متشکل از حقایقی است و بهترین حالت برای شناسایی آن هنگامی است که پژوهشگر در موقعیت طبیعی قرار می‌گیرد و برای درک دانش، آن‌چنان که هست، تلاش می‌کند (ازکیا، دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

این‌که چه زمانی یک پژوهشگر باید از این روش استفاده کند، بسته به سؤال پژوهش است. پدیدارشناسی معنای تجارب زیسته افراد متعدد از یک مفهوم یا پدیده را توصیف می‌کند. پدیدارشناسان اشتراکات مشارکت‌کنندگان در تجربه یک پدیده را مد نظر قرار می‌دهند. هدف از این روش تقلیل تجارب افراد از یک پدیده به توصیفی از ذات فراگیر است (کرسول^۳، ۱۳۹۱: ۷۹). روش پدیدارشناسی به دو سؤال اساسی از یک پدیده پاسخ می‌دهد: نخست این‌که از افراد سؤال می‌شود پدیده مورد نظر از دید آنها چیست؟ و دوم این‌که در چه شرایطی این پدیده را تجربه کرده‌اند؟

1. Atkinson
2. Grase
3. Creswell



پدیدارشناسان به جای تمرکز بر بخش مجزایی از موضوع مورد مطالعه، بر روی کل پدیده متمرکز هستند. آنها در جستجوی معانی و جوهره‌های تجربیات هستند و نه اندازه‌گیری و تبیین آن. محقق پدیدارشناس، توصیفاتی از تجارب را از راه مواجهه با صاحبان تجربه (افراد دست اول) به شکل رسمی و غیررسمی از طریق مصاحبه کسب می‌کند و این داده‌ها را عنصر ضروری در درک رفتارهای انسان و همچنین به عنوان شاهدهی برای پژوهش‌های علمی در نظر می‌گیرد (موستاکاس^۱، ۱۹۹۴: ۲۱).

۱. نمونه‌گیری

در آغاز پژوهش کیفی نیازی نیست تعداد دقیق افراد آگاهی‌دهنده یا مصاحبه‌شونده در گروه نمونه را مشخص کنیم، چرا که نمونه‌های کیفی در طول فرایند پژوهش وقتی راه‌های جدیدی کشف می‌شود و کلیدهایی که برای پیگیری به کار می‌گیریم، گسترش می‌یابد.

نمونه‌برداری بر پایه ابعاد زیادی صورت می‌گیرد. این ابعاد شامل افراد، موقعیت‌های مکانی، پیشامدها، فرایندها، فعالیت‌ها و زمان است. مهم‌ترین عنصر پژوهش افرادی هستند که بر اساس تجربه پدیده مورد پژوهش انتخاب می‌شوند. این که چه کسی را، در چه زمانی و در چه مکانی برای پژوهش برگزینید، به ملاک‌های معینی بستگی دارد که با توجه به هدف پژوهش تعیین می‌شود. نمونه‌برداری هدفدار یا هدفمند برای همین منظور به کار می‌رود (هومن، ۱۳۹۰: ۸۵). از آن‌جا که مفاهیم در تحقیق کیفی نقش محوری دارند و همچنین از آن‌جا که معمولاً هدف اصلی و یا یکی از اهداف چنین تحقیقی نظریه‌پردازی یا دست‌کم تحلیل نظری است، نمونه‌گیری در تحقیق کیفی را نمونه‌گیری مفهومی یا نمونه‌گیری نظری می‌نامند. رویه علمی نمونه‌گیری مفهومی را می‌توان به شرح زیر در نظر گرفت:

ابتدا باید گروه، افراد یا صحنه‌ای را که بر اساس مسئله تحقیق و سؤالات تحقیقی مشخص می‌شوند انتخاب کرد تا معلوم شود که کسب چه اطلاعاتی و از چه منابعی ضروری است (محمدی، ۱۳۹۰: ۶۷).

من در نمونه‌گیری هدفدار از نمونه‌برداری گلوله‌برفی استفاده کردم. یعنی از کسانی که در زنجیره نخست اعلام آمادگی کرده بودند، خواستم اگر کسی را می‌شناسند که علاقه‌مند به همکاری است، معرفی کنند.

این فن شامل شناسایی برخی افراد مهم یک جمعیت و مصاحبه با آنهاست، سپس محقق به



پیشنهاد این افراد برای مصاحبه به سراغ افراد دیگر می‌رود. در این روش، هسته کوچک اصلی، با افزایش مرحله‌ای، رشد می‌کند و مانند گلوله برفی که با غلتاندن بر روی زمین برفی ساخته می‌شود، نمونه تحقیق نیز افزایش می‌یابد. به همین دلیل به این روش، نمونه‌گیری گلوله‌برفی یا زنجیره‌ای می‌گویند (ازکیا، دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۲۵۵).

در این پژوهش در طی چند ماه تلاش مستمر، یعنی از تیر ۱۳۹۱ تا خرداد ۱۳۹۲، ۴۰ مصاحبه جامع انجام شد که مبنای پژوهشی این رساله قرار گرفتند. زنان متأهل شاغل و خانه‌دار، دارای فرزند و بدون فرزند، کم‌سواد و دارای تحصیلات عالی، از سن ۲۰ تا ۷۰ سال، تنوعی بود که پژوهشگر سعی کرد در این پژوهش لحاظ کند. مبنای انتخاب نمونه‌ها فقط اعلام آمادگی مصاحبه‌شوندگان نبود و سعی کردم تنوع و گوناگونی در نمونه‌ها لحاظ شده و با گروه‌های اجتماعی متنوعی در این مورد مصاحبه کنم.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق هر پژوهشی جان‌مایه و مواد سازنده‌اش به شمار می‌رود. به اقتضای ذات توصیفی این پژوهش، مشاهده و مصاحبه در کار آمده‌اند تا این مرحله از پژوهش را تکمیل و روشن کند که: «پس‌انداز چه پولی است؟ از کجا می‌آید؟ کجا ذخیره می‌شود؟ به چه مصرفی می‌رسد؟ شیوه جمع‌آوری آن از چه طریق آموخته می‌شود؟ چرا بعضی مواقع آشکار است و در برخی مواقع پنهان می‌شود؟» این سؤالات برآیند تجربه زنان از پس‌انداز است که در این بخش به آنها پاسخ می‌دهم.

یافته‌های پژوهش در این مقاله، که جامعه‌شناسی پس‌انداز را توصیف و تحلیل خواهد کرد، برآیند تجربه زیسته کنش‌گرانی است که نشان می‌دهد پس‌انداز بررسی شده در این پژوهش نه یک پدیده صرفاً اقتصادی، بلکه یک پدیده اجتماعی است که در پیرامون عنصر اقتصادی شکل گرفته است. این که یک سازه که مواد اقتصادی دارد چگونه می‌تواند یک پدیده اجتماعی مهم باشد، یکی از اهداف و مسائلی است که این مقاله به آن می‌پردازد. در این مقاله به سه مقوله برآمده از داده‌های این پژوهش پرداخته خواهد شد.

۱. انواع پس‌انداز و چرایی آن

آنچه من از انواع پس‌انداز در این جا سخن خواهم گفت، متفاوت از آن چیزی است که در کتاب‌ها گفته شده و یا در بین مردم مرسوم است. مثلاً پس‌انداز در اشکالی همچون



پول، طلا، اشیاء قیمتی، زمین، سهام و... این تقسیم‌بندی که یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های جامعه‌شناسی پس‌انداز در این مقاله به شمار می‌رود، برآیند مفاهیم و معانی پنهان شده در لایه‌های ناپیدای این پدیده پیچیده اجتماعی است که ریشه در پیچیدگی‌های ذهنی زنان و پیچیدگی شرایط اجتماعی خانواده در دوران مدرن دارد که در مقدمه نیز از زبان یونگ به بخش ذهنی آن اشاره شد.

هویت‌یابی پس‌انداز در این پژوهش، به دو گونه آشکار و پنهان منجر شد. پس‌انداز آشکار همان است که توده مردم به آن واقفند و در یک فرایند ساده عملی می‌شود. گرچه ممکن است مکانیزم آن در برخی موارد امری پیچیده به نظر برسد، اما در واقع از یک ساختار ساده و ماهیتی آشکار برخوردار است، که در اشکال گوناگونی اعم از پول در حساب مشترک بانکی و یا صندوق خانگی، طلا (سکه) و به طور کلی اموال منقول و غیرمنقول دیده می‌شود و پیچیده به نظر رسیدن آن نیز ممکن است به دلیل برخورد پیچیده پس‌اندازکنندگان با اشکال گوناگون آن باشد.

پس‌انداز آشکار در خانواده به این شکل است که زن مبلغی از پول خانواده را کنار می‌گذارد و در صورت لزوم آن را به سیستم اقتصادی خانواده تزریق می‌کند و همسرش نیز از مبلغ و میزان این پس‌انداز مطلع است.

پس‌انداز پنهانی عملی است که در یک فرایند پیچیده شکل می‌گیرد و پدید آمدن آن نیز عمدتاً به دلیل پیچیدگی‌های ذهنی کنش‌گرانی است که در واکنش معکوس به پیامدهای منفی پس‌انداز آشکار خود را نشان می‌دهد. پس‌انداز پنهان به دو شکل دیده می‌شود: فردی و مشارکتی. در پس‌انداز فردی، فرد به تنهایی و با اتکا به توانایی‌های خود پس‌انداز می‌کند اما در پس‌انداز مشارکتی فرد به کمک زنان دیگری که خود نیز این شیوه را قبول داشته و بدان عمل می‌کنند، اقدام به پس‌انداز می‌کند.

تفاوتی که بین پس‌انداز فردی و مشارکتی وجود دارد این است که در روش فردی، پس‌اندازی که در موقع نیاز خرج می‌شود، قابلیت بازگشت ندارد، اما در پس‌انداز مشارکتی که این پول به دلیل دور ماندن از طمع شوهر یا سرپرست خانواده قرض از دیگران قلمداد می‌شود، قابلیت بازگشت دارد. نکته لازم به ذکر این است که هر کسی قابلیت مشارکت در این شیوه را ندارد و محارم پس‌انداز مخفیانه، انتخابی هستند. لزوماً نزدیکان، جزو محارم پس‌انداز به شمار نمی‌آیند. کسانی در پس‌انداز مشارکتی سهیم هستند که خود از همین شیوه استفاده می‌کنند و در یک بده‌بستان با دیگران قرار دارند.



کسانی که اقدام به پس انداز پنهانی کرده‌اند، کسانی هستند که آینده‌نگری و دوراندیشی را در برنامه‌های اقتصادی همسرانشان نمی‌بینند و برای این که پولی که پس انداز می‌شود جایش امن باشد، اقدام به پس انداز مخفیانه کرده‌اند. البته همیشه ولخرجی و نداشتن برنامه مالی همسر نیست که باعث پس انداز مخفیانه می‌شود. گاهی این شیوه‌ای است که زنان با پس انداز مخفیانه و جمع کردن پول و رو کردن آن در مواقع ضروری، نشان می‌دهند که می‌توان از پول‌های به ظاهر بی‌اهمیت به پول قابل توجه دست یافت. بعضی از زنان اشاره کردند که زمانی نیاز به خرید وسیله‌ای داشتند و همسرشان مخالفت کرده و از آن به بعد آنها تصمیم گرفته‌اند پولی را کنار بگذارند که برای خرید وسیله دلخواه مستقل باشند.

دلیل دیگری که برای پس انداز پنهانی می‌توان ذکر کرد، زمانی است که یک زن چشم‌انداز روشنی برای زندگی خود ندارد و زندگی زناشویی را پایدار نمی‌بیند. تمایل به پس انداز و کنار گذاشتن پول و طلا در این شرایط بیشتر است.

از طرف دیگر با تغییر ساختار خانواده و شکل‌گیری خانواده هسته‌ای، تمایل به استقلال در این شکل از خانواده بیشتر از قبل وجود دارد و خانواده هسته‌ای سعی دارد تا موقعیت اقتصادی مستقلی داشته باشد که پس انداز به این استقلال کمک می‌کند. پاسخگویان از این لفظ استفاده کرده‌اند که نمی‌خواهند برای پول «به کسی رو بزنند». باید در نظر داشت که خانواده هسته‌ای، یک خانواده کاملاً مستقل نیست و هنوز به خانواده گسترده متصل است و «حفظ آبرو» برای خانواده گسترده در شرایطی که خانواده‌های زن و شوهر اختلاف اقتصادی دارند، یکی از عوامل پس انداز مخفیانه به شمار می‌رود.

زنانی که اختلاف سنی قابل توجهی با همسرانشان دارند و بزرگ‌تر هستند و یا زنانی که از نظر ظاهری بزرگ‌تر از همسرشان به نظر می‌رسند، بخشی از پول خود را به پس اندازی اختصاص می‌دهند که قرار است هزینه بدن و زیبایی آنها شود. پس انداز به این شکل به آنها کمک می‌کند تا ساختار سنتی خانواده را که قرار است مرد بزرگ‌تر از زن دیده شود به خوبی حفظ کنند.

از نظر زنان، پولی که پس انداز می‌شود باید نادیده گرفته شود و اگر به هر دلیلی وارد چرخه مخارج خانه شده و خرج بشود بایستی جایگزین شود. بی‌توجهی به این موضوع، فرهنگ پس انداز مخفیانه را رواج می‌دهد.

پس انداز مخفیانه در شرایطی است که زنان، منطق دوراندیشی را در رفتار شوهرانشان دور می‌بینند و عقل معاش آنها را مورد سنجش قرار می‌دهند. این که پس انداز مخفیانه چه زمانی



آشکار می‌شود و یا اصلاً این اتفاق می‌افتد یا خیر، به شرایطی بستگی دارد که در زندگی روی می‌دهد که لزوماً به مسائل اقتصادی معطوف نیست. مثلاً اعتماد به مهارت اقتصادی زن، ارج نهادن به زن در مقام مادر بدون توجه به جنسیت فرزند که البته در اغلب موارد پسرزایی زن این شرایط را به نفع او رقم می‌زند.

در مطالعه‌ای که انجام دادم به شیوه نگرش زنانه‌ای به اقتصاد رسیدم که می‌توان بر آن نام اقتصاد زنانه گذاشت. این اقتصاد زنانه شیوه‌ای است که از هر کلاسی استفاده کرده و آن را به پول تبدیل می‌کند. در این شیوه، زنان می‌توانند مواد غذایی را به پول تبدیل کنند. برنج و روغن نام پس‌انداز به خود می‌گیرد و پول‌های حساب نشده را که وارد می‌شود نادیده می‌انگارند. از جای جای خانه برای ذخیره پول استفاده می‌کنند. برای زنان فقط پول و مسکوکات پول نیست. هر اندوخته‌ای که مصرف نشود معنای پول دارد. لباس نپوشیده به معنی ذخیره پول برای خرید لباس در آینده است. گونی برنجی که نادیده گرفته می‌شود هم همین معنی را دارد.

۲. چگونگی پس‌انداز

راه‌های گوناگونی از چگونگی پس‌انداز پنهانی در این یافته‌ها به دست آمد که من سعی کردم از دل برخی از مهم‌ترین آنها، مفاهیم جدیدی در این حوزه بسازم و برای بیان موضوع از آنها استفاده کنم.

«اندک‌اندوزی» مفهومی بود که در راستای چگونگی پس‌اندازهای پنهانی از مسیر ارزش قائل شدن زنان به پول‌های کوچک به آن دست یافتم. پول‌های کوچک، مبالغی هستند که به خودی خود ارزش چندانی ندارند اما زنان طبقات متوسط و پایین با انباشتن آنها به مبالغ قابل توجه‌تری دست می‌یابند و این شکل از پس‌انداز را که با هیجان همراه است می‌پسندند؛ چرا که بعد از مدتی با شمردن پول‌های کوچک متوجه می‌شوند که مبلغی که جمع شده به اندازه هزینه خورد و خوراک یا قبوض خدماتی خانه است و این اندک‌اندوزی برای آنها عموماً در فضاهای زنانه‌ای مانند آشپزخانه و کمدهای منزل انجام می‌شود.

«زندگی قرضی» مفهوم دیگری بود که از شیوه‌ی مدیریت زمان و مدیریت دخل و خرج افراد به دست آوردم. به این معنی که وقتی مشاهده کردم فردی با گرفتن تسهیلات بانکی، یا وام‌های دیگری خارج از چارچوب نظام بانکی، با در اختیار گرفتن زمان، دخل و خرج خود را مدیریت می‌کند به این نکته پی بردم که پدیده‌ای به نام زندگی قرضی وجود دارد که در این شیوه افراد برای اداره زندگی خود چاره‌ای جز پناه بردن به آن ندارند. زندگی قرضی شکل



جدیدی از شیوه زندگی اقتصادی در خانواده است. این شیوه زمانی پدید آمد که نظام مالی رسمی امکان گرفتن پولی به شکل وام و بازپرداخت به تدریج و منظم آن را فراهم ساخت. با تغییرات نظام مالی رسمی و سخت شدن امکان وام گرفتن به این شکل، حوزه وام تحت عنوان صندوق‌های قرض‌الحسنه به محیط‌های خانوادگی کشیده شده است.

۳. مکانیزم انتقال شیوه‌های پس‌انداز

چگونگی این شیوه‌ها که از هیچ به همه چیز می‌رسد، تجربه زیسته زنانه است که سینه به سینه منتقل می‌شود. نسل‌های قبلی بیش از امروز به این شیوه‌ها و اجرای آن متعهد بوده‌اند. گرچه به نظر می‌رسد این روش‌های نانوشته به طرق مختلف به هر دختری آموزش داده می‌شود. توصیه زنانه به دختران نوعروس، که همواره نظام پس‌انداز و اندک‌اندوزی را سرآغاز و سرلوحه زندگی خود قرار داده بودند، به معنی انتقال شیوه‌های پس‌انداز در زندگی بود که عموماً توسط «زیدگان زندگی» یا همان سالخورده‌گان راه‌بلدی آموزش داده می‌شد که همه این تجربه‌ها را پشت سر گذاشته‌اند.

آن‌چه نباید در این‌جا از نظر دور داشت این است که همه این کنش‌ها، که ناشی از فهم متعارف است، به فرهنگ مربوط می‌شود، چرا که فرهنگ مسئولیت انتقال ارزش‌ها و عادت‌های افراد را بر عهده دارد. انتقال شیوه‌های پس‌انداز از طرف زنان به زنان دیگر صورت می‌گیرد.

۴. مصرف پس‌انداز

مصرف پس‌انداز فرایندی است که آخرین حلقه پازل پس‌انداز را تکمیل می‌کند و به کارکرد آن جهت می‌دهد. من در این پژوهش با دو نوع کارکرد پس‌انداز مواجه شدم: یکی پس‌اندازی که پس از طی مراحل مصرف می‌شود، دیگری پس‌اندازی که پس از طی مراحل باز هم پس‌انداز می‌شود. نوع دوم پس‌انداز که بیشتر در خانواده‌های مرفه رایج است، چون به ندرت در زمینه مصرف قرار می‌گیرد، به شکل میراث در می‌آید و مد نظر این پژوهش نیست.

پس‌انداز نوع اول، که سه جنبه فردی، جمعی و اعتقادی دارد، به منظور استفاده مشخص در همین بخش‌ها صورت می‌گیرد.

در جنبه فردی، فرد به پس‌انداز روی می‌آورد تا با استفاده از آن خواسته‌های فردی خود از قبیل استقلال، اعتماد به نفس، رفع نگرانی و قدرت به دست آورد. بدیهی است که این خواسته‌ها همه نیازهای فردی اعم از روحی، روانی، عاطفی، مالی و... را در بر می‌گیرد.

در جنبه جمعی، فرد پس‌انداز می‌کند تا ضمن این‌که خود از آن بهره‌مند شود، دیگران را نیز



در این بهره‌مندی سهیم سازد. این تسهیم به دو شکل متقابل صورت می‌پذیرد؛ یکی بهره‌مندی مثبت است که در آن فرد از دیگران دستگیری می‌کند تا شأن اجتماعی خود را ارتقا دهد و آن را تثبیت کند، که شاید بتوان گفت این عمل تلاشی است در جهت آبرومندی هرچه بیشتر فرد؛ و دیگری بهره‌مندی منفی است که فرد در برابر دیگرانی که به دارایی خود تفاخر می‌کنند و سعی در تحقیر و تخفیف وی دارند بایستد.

مثلاً پس‌انداز برای کسی که به دلایل عاطفی و نوع‌دوستانه در قبال خانواده، خواهران و برادران کوچک‌تر و حتی بزرگ‌تر از خودش احساس مسئولیت می‌کند، این فرصت را می‌دهد که نیازمندی‌های آنها را رفع و رجوع کند. این عمل که در فرهنگ ما نوعی از خودگذشتگی شمرده می‌شود، با رضایت همراه است. البته این از خودگذشتگی در برخی از فرهنگ‌ها، وظیفه پسر خانواده است و کمتر از یک دختر انتظار می‌رود، اما امروزه دختران و زنان نیز چنین مسئولیتی را برای خود متصور هستند.

مثال دیگر این‌که اگر کسی بخواهد با عمل تحقیرآمیز مقابله کند و خود را از کمند هرگونه تحقیر و تخفیف برهاند، باز در پشت پول پس‌انداز شده سنگر می‌گیرد. پس می‌توان گفت پول و پس‌انداز در این جا عنصری است که «دفع تحقیر» می‌کند.

در جنبه اعتقادی، فرد پس‌انداز می‌کند تا با قرض‌الحسنه به نیازمندان و دستگیری از آنها رضایت خداوند را جلب کند تا بلکه خداوند نیز با برکت دادن و افزایش سرمایه او این عمل خیر را جزای خیر دهد.

سومین مصرف پس‌انداز به نوع استفاده از پولی باز می‌گردد که شخص با خدا به معامله می‌پردازد. دین همواره استیلايش را بر پول حفظ کرده و قدرت آن را در سایه قدرت خودش نگه داشته است. مثلاً آدم فقیری که در اثر کار طاقت‌فرسا و قناعت به سرمایه‌ای دست یافته است، آن را ناشی از برآورده شدن دعایش از سوی خداوند می‌داند و برای سپاسگزاری از این لطف الهی، از دیگران دستگیری می‌کند.

نتیجه‌گیری

پس‌انداز اصل بنیادین دوران‌دیشی اقتصادی و آینده‌نگری در خانواده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه زنان را به سمت و سوی پس‌انداز کشانیده است و زنان نیز با نگاهی به آینده، که عمدتاً تحت عنوان روز مبادا از آن یاد می‌شود،



وارد عرصه و حوزه پس انداز می شوند. به بیان دیگر منطق زنان در پس انداز، همان دوراندیشی است که در یافته‌های این پژوهش به دست آمده است.

در مورد زنانی که نقش مادری دارند، این آینده‌نگری بیشتر معطوف به فرزندانشان است و آنها جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده‌اند. شیوه رفتار زنان با پول بسته به شرایط زندگی و موقعیت‌های مختلف فرق می‌کند. برای اکثر مادران خانواده خودشان (شوهر و فرزندان) در اولویت نخست قرار دارند. در صورتی که این توازن به هم بخورد و شوهر اولویت دیگری غیر از خانواده خودش داشته باشد، استراتژی زنان در هزینه تغییر می‌کند.

توصیف این‌که زنان در چه شرایطی به پس انداز فکر کرده‌اند، به اشتغال، طبقه اقتصادی - اجتماعی، داشتن فرزند و رفتار مالی شوهرانشان بستگی دارد. البته زنانی که فرزند دارند و فرزندانشان هنوز به سن ازدواج نرسیده‌اند، اصل دوراندیشی و آینده‌نگری را سرلوحه برنامه‌هایشان قرار داده‌اند. این آینده‌نگری به اشکال گوناگونی چون بیمه، پس انداز بانکی، خرید طلا، زمین، سهام و... دیده می‌شود. زنی که سهام را برای پس انداز انتخاب می‌کند از پایگاه فرهنگی و تحصیلات بالاتری برخوردار است. از نظر اکثر زنان پول نقد و طلا بهترین شکل پس انداز هستند.

برخی از زنان عقیده داشتند که پس انداز را نباید هرگز رو کرد تا «روز مبادا» فرا برسد، و روز مبادا روزی است که پول بسیار ضروری است، که اکثراً این ضرورت را در شرایط بیماری و مراسم‌های مهم می‌دیدند. برخی دیگر پس انداز می‌کردند تا چاله‌های مختلف زندگی را با آن پر کنند.

پس انداز پولی است که از راه‌های گوناگون جمع‌آوری می‌شود. در مورد زنان شاغل که درآمد ثابت کارمندی دارند، پس انداز پولی است که ربطی به حقوق ثابت آنها ندارد و از پول‌هایی جمع می‌شود که جزو حقوق ثابت نیست؛ مثل کارانه و پاداش و... در مورد زنان خانه‌دار پس انداز مبلغی است که از خرید مایحتاج منزل کنار گذاشته می‌شود و یا پولی که شوهر به زن می‌دهد تا برای خودش چیزی بخرد.

پس انداز به طور معمول در شرایط اضطراری در خانه مصرف می‌شود. در شرایطی مانند بیماری، خرید خانه و یا لوازم خانه، حفظ اعتبار و آبروی خانواده اعم از پدر، مادر، خواهر، برادر و...، خیرات برای نزدیکان، بخشیدن به دیگران که همه این بخشش‌ها به اعتبار این‌که این پول‌های بخشیده شده از پس انداز زن بوده و درآمد شخصی وی به شمار می‌رود، بدون دغدغه و در کمال آسودگی انجام می‌شود.



در بین پاسخگویان، اکثریت با کسانی بود که پس‌انداز پنهانی داشتند. زنان جوان‌تر همسرانشان را در جریان پس‌انداز خود قرار داده بودند و میزان پس‌انداز خود را به همسرانشان می‌گفتند و پنهان‌کاری کمتری وجود داشت. البته پنهان بودن و یا آشکار کردن پس‌انداز ارتباط مستقیمی با عکس‌العمل شوهر دارد.

از یافته‌های این بخش از پژوهش چنین بر می‌آید که مقوله پس‌انداز در نزد زنان از منطقی به نام دوراندیشی ناشی می‌شود که در این منطق مفاهیم و معانی بسیاری وجود دارد که در زندگی زنان نقش مهم و بعضاً هم سرنوشت‌سازی ایفا می‌کنند. مثلاً عرضه زنانه یکی از این معانی است که دارا بودن آن برای زن در زندگی نقش کلیدی دارد، چرا که تأمین‌کننده استقلال و اعتماد به نفس و... زن است.

نه تنها رویکرد زنان به جنبه‌های مادی پول اعم از پس‌انداز، مصرف، هدیه، و غیره، یک رویکرد مبادله‌ای است، بلکه در جنبه دینی آن مانند انفاق، خیرات و قرض‌الحسنه، که قدرت و ارزش پول در سایه ارزش‌های دینی قرار دارد نیز حالت مبادله‌ای دارد. این شکل از پول یک سپرده مادی در فضای معنوی است.

خانواده امروزی مسئولیت‌های بسیاری بر عهده دارد که ادای آنها به پول بستگی دارد؛ از حفظ سلامتی گرفته تا تهیه مسکن و امکانات اولیه و نیازهای فرزندان. در چنین شرایطی پول محافظتی است که این امکانات حداقلی را فراهم می‌کند. خانواده شهری از همه طرف با حملات سخت اقتصادی و اجتماعی روبروست که یک‌تنه باید حریف همه آنها باشد. زنان گرچه بخش کوچکی از شاغلان را تشکیل می‌دهند، اما در مدیریت مالی خانواده نقش مهمی دارند. آنها مجبورند از این سپر بلا به نحو احسن استفاده کنند تا خانواده را حفظ کنند. پس آن چیزی که به نظر مادی‌گرایی می‌رسد، راهی است که پیش روی آنان است تا بیشتر از قبل خانواده‌شان را حفظ کنند.



منابع

- ازکیا، م. و دربان آستانه، ع (۱۳۸۲)، روش‌های کاربردی تحقیق. تهران: کیهان.
- بیکر، و. الف. و جیمرسون، ج. ب (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی پول. ترجمه محمدرضا عطایی، مجله فرهنگ و توسعه، سال چهارم، خرداد و تیر، شماره ۱۸، صص ۳۱-۳۶.
- تپرواین، ک (۱۳۸۶)، راز پول. ترجمه کلارا کرمی، تهران: نسل نواندیش
- رضایی، الف (۱۳۸۹)، بررسی رفتار مصرف و پس‌انداز در چارچوب مدل رشد نئوکلاسیک. نشریه تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۲، صفحه ۱۲۵-۱۵۲.
- صدر نبوی، ر. و دیگران (۱۳۸۹)، بررسی جامعه‌شناختی دلایل پس‌انداز کردن و شیوه‌های آن نزد مردم مشهد به روش رویش نظریه، نشریه مطالعات اجتماعی، شماره ۱۲، صص ۹۶-۱۳۱.
- فرهادی، م (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی یاریگری. تهران: ثالث.
- قدیری اصل، ب (۱۳۸۷)، سیر اندیشه اقتصادی: رویارویی مکتب‌ها از افلاطون تا بعد از کینز. تهران: دانشگاه تهران.
- قربانی، م. و پر مه، ز (۱۳۸۳)، تورم و پس‌انداز خانوارهای روستایی. پژوهش اقتصادی ایران، شماره ۱۹، صص ۱۶۹-۱۸۷.
- کرسول، ج (۱۳۹۱)، پوشش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی). ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار.
- محمدی، ب (۱۳۹۰)، درآمدی بر روش تحقیق کیفی. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ویر، م (۱۳۸۴)، اقتصاد و جامعه. ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد، مصطفی عمادزاده، تهران: سمت.
- هومن، ح. ع (۱۳۹۰)، راهنمای عملی پژوهش کیفی. تهران: سمت، چاپ سوم.
- یونگ، ک. گ (۱۳۸۷)، سمینار زرتشت نیچه. ترجمه سپیده حبیب، تهران: کاروان.
- Baker Wayne E. & Jimerson Jason B. (1992) The Sociology of Money: A Framework for the Sociology of Money Structural, the American Behavioral Scientist, 35, 6, pp 678- 693
- Deflem, Mathieu (2003), The Sociology of the Sociology of Money, journal of classical Sociology, vol. 3, pp 67- 96
- Grase, Pamela J. (2008), nursing ethics ans professional responsibility in advanced practice, Malloy, USA
- Moustakas, C. (1994), Phenomenological research methods, Thousand Oaks, CA: Sage
- Zelizer A. Viviana, (2000), Money, In Edgar E. Borgatta & Rhonda J. V. Montgomery (Eds), Encyclopedia of Sociology, pp 1888- 1894, New York: Macmillan.



Genealogy of Woman Saving Concept

Shayesteh Madani¹

Mansour Vosoughi²

Abstract

Money is lubricant and an instrument for economic transaction. Money social dimension has increased over time, transforming it from a sole economic instrument to a device for various transactions. Money economic value in society is indicated through different forms, one of which is saving, in the sense of money accumulation and its use under specific future circumstances. Women, who form half of the society, take specific approaches to money and savings. The current research aims to investigate the perspectives and changing attitude strategy to money and saving among married women.

The participants of this study include 20 to 70 year-old employed household married women who were observed phenomenologically and interviewed qualitatively on saving through.

The findings of this study demonstrated women perspectives on various types of saving, ways of saving, transfer methods, saving consumption forms and their mechanism. It also revealed that while money is an economic instrument and possess the economic material; attitudes and acts related to money are influenced by social conditions that has consequently turned saving into a social phenomenon.

Keywords: Genealogy of Saving- Logic of Foresight (prognosis) - Phenomenology- Nuclear Family- the (Concept of) Rainy Day



cultural research

8

Vol.7

No.2

Summer 2014

1. Assistant Prof., Sociology Dept., Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran. shayesteh.madani@gmail.com

2. Prof. of Sociology, University of Tehran. Mansour.vosoughi@gmail.com